

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا هدف از فتوحات به دست آوردن غذا یا غنیمت بوده است؟! تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net
no-atheism
islamway1434
asteira

تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»



آیا
هدف از فتوحات
به دست آوردن غنیمت بوده است؟!
تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»

تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»
تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»

إِن الحمد لله، نحمده ونستعينه، ونتوب إليه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله، صلوات الله وسلامه عليه، وعلى آله وصحبه أجمعين.

أما بعد:

دوران قرون طلایی اسلام، همان دوران فتوحات اسلامی بوده است؛ در آن زمان به جای ذلت، عزت حکم فرما بود و نور عدالت اسلامی، ظلمت ظلم را کنار می زد و انسان ها را از بزرگترین زندانی که در طول تاریخ دیده شده، رهایی می بخشید. کسی که نسبت به این قرون طلایی با بغض و کینه سخن زند، بی گمان از اهل اسلام نیست، عجیب است که افرادی در لباس اسلام، آن هم در زمانی که مستشرقین نامسلمان غربی از عدالت گستری های مسلمانان صدر اسلام سخن می گویند، زبان بدگویی دراز کرده و انگار که در صفوف مقابل مسلمانان صدر اسلام، از پیروان کسری و دیگر طاغوتان تاریخ قرار می گیرند، خداوند اینان را با آنان حشر سازد.

در این نوشتار به بیان این حقیقت می پردازیم که جهاد در اسلام برای به دست آوردن غنیمت نیست و اهداف والاتری وجود دارند که برای معاندان نادیدنست:

از همه محروم تر خفاش بود	که عدو آفتاب فاش بود
دشمنی گیری بحد خویش گیر	تا بود ممکن که گردانی اسیر
قطره با قلزم چو استیزه کند	ابلهست او ریش خود بر می کند
تو عدو او نه ای خصم خودی	چه غم آتش را که تو هیزم شدی

و جواب شبهه ای مشهور که به سان طوطی از یکدیگر شنیده و عیناً بی کم و زیاد تکرار می کنند هم خواهد آمد، و خدا را برای نعمت های فراوانش سپاس می گوئیم و از او می خواهیم که بر توفیق و علم و ایمانمان بیافزاید.

در روایت مورد استدلال معاندین آمده است: «إنکم معاشر العرب، قد عرفت الذي حملکم علی الجیئة إلینا، أنتم قوم لا تجدون فی بلادکم من الطعام ما تشبعون منه، فخذوا نعطیکم من الطعام حاجتکم، فإنما قوم مجوس، وإننا نکره قتلکم، وإنکم تتجسسون علینا أرضنا. فقال المغيرة: واللّٰه ما ذاک جاء بنا، ولكننا کنا قوما نعبد الحجارۃ والأوثان فإذا رأینا حجرا أحسن من حجر ألقیناه وأخذنا غیره، ولا نعرف ربا، حتی بعث اللّٰه إلینا رسولا من أنفسنا، فدعانا إلی الإسلام، فاتبعناه، ولم نجئ لطعام، وأمرنا بقتال عدونا ممن ترک الإسلام، ولم نجئ لطعام، ولكننا جئنا نقتل مقاتلتکم، ونسبي ذراریکم فأما ما ذكرت من الطعام، فإنما کنا لعمري ما نجد من الطعام ما نشبع منه، وربما لم نجد ربا من الماء أحيانا، فجئنا إلی أرضکم هذه، فوجدنا طعاما کثیرا، فلا واللّٰه لا نبرحها حتی تكون لنا أو لکم.»

یعنی: [فرستاده‌ی مجوس گفت] دانسته‌ام که چه چیزی شما جماعت عرب را به سوی ما کشانده است، شما مردمی هستید که در سرزمین‌هایتان غذایی که سیرتان کند نمی‌یابید! پس به اندازه‌ی حاجت به شما غذا می‌دهیم، زیرا ما مجوس هستیم و جنگ با شما را کراهت داریم و سرزمین ما را نجس می‌کنید! مغیره رضی اللّٰه عنه فرمود: به خدا سوگند که غذا ما را به اینجا نکشانده است؛ بلکه ما مردمی بودیم که سنگ‌ها و بتان را عبادت می‌کردیم، و وقتی سنگ بهتری را می‌یافتیم، قبلی را انداخته و آن را برمی‌گرفتیم و پروردگاری نمی‌شناختیم، تا آنکه اللّٰه پیامبری از خود ما مبعوث گردانید؛ او ما را به اسلام دعوت نمود و ما از او پیروی کردیم. پس ما برای غذا نیامده‌ایم، برای این آمده‌ایم که به جنگ با دشمنانمان که تارک اسلامند دستور داده شده‌ایم، و برای غذا نیامده‌ایم، برای این آمدم که جنگجویان شما را کشته و فرزندانمان را اسیر کنیم. اما آنچه درباره‌ی غذا گفتی، ما پیش از این هم غذایی که از آن سیر شویم را نیافتیم، و گاهی آنقدر آب نمی‌یافتیم که تشنگی را رفع کند، و به این سرزمین شما آمده‌ایم و در آن غذای بسیاری یافته‌ایم، پس آن را ترک نخواهیم کرد تا اینکه برای ما یا شما باشد.

پس می‌گوییم:

اولاً. جهاد، یکی از والاترین عبادت‌هاست و دین اسلام اخلاص نیت را در تمامی عبادات شرط می‌داند؛ در حدیث صحیح آمده است که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «إنما الأعمال بالنیات وإنما لكل امرئ ما نوى»^۱، یعنی: «همانا [ثواب] اعمال به نیت‌ها بستگی دارد و به هرکسی بر اساس نیت‌اش می‌رسد» و در قرآن می‌خوانیم که {وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ} [البینة: ۵]، یعنی: «در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حق‌گرایانه خدای را بپرستند و تنها شریعت او را آئین بدانند، و نماز را چنان که باید بخوانند و زکات را بپردازند. آئین راستین و ارزشمند این است و بس.»

جهاد مؤمنان در مقایسه‌ی با قتال کافران، چه در مسیر و چه در هدف متفاوت است. اللّٰه متعال فرموده است: {الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ} [النساء: ۷۶]، «کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا می‌جنگند، و کسانی که کفرپیشه‌اند، در راه

۱. صحیح بخاری (۱) و صحیح مسلم (۱۹۰۷)

شیطان می‌جنگد»، پس مسیر مجاهدین اهل حق مانند مسیر جنگجویان راه باطل نیست، و هدف مجاهدین رضایت خداوند و هدف اهل باطل، راضی کردن طواغیت و به دست آوردن متاع دنیا است.

«به حقیقت که اسلام، فرد مجاهد و جماعت مجاهدین را از اینکه در نیت و هدفشان غنیمت‌گرفتن -چه مادی چون اموال و مکاسب باشد و چه معنوی مانند جاه و حسن شهرت میان مردم- باشد باز می‌دارد»^۲ و در حدیث متفق علیه روایت شده است که مردی نزد پیامبر ﷺ آمده و گفت که مردی برای غنیمت، مردی برای شهرت، و مردی دیگر برای آنکه شجاعتش را ببینند جنگیده، کدامشان در راه خدا جنگیده است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که برای اعلائی کلمه‌ی الهی بجنگد، در راه خدا جنگیده است»^۳ و همچنین در حدیث دیگری آمده که مردی گفت: ای رسول خدا، مردی می‌خواهد در راه خدا بجنگد ولی هدفش مال دنیا است. پیامبر ﷺ در جواب فرمودند «هیچ اجری ندارد»^۴ و در حدیث دیگری نیز آمده که فرمودند: «اولین کسی که در قیامت بر او حکم شود، مردیست که [ظاهراً] به شهادت رسیده است... می‌گوید: در راه تو جنگیدم تا شهید شوم! خداوند می‌فرماید: دروغ گفتی، لکن جنگیدی تا بگویند او مرد با جرئتی است، و گفتند، پس درباره‌ی او حکم صادر شده و به رویش کشانده شده و به دوزخ انداخته می‌شود»^۵ و در حدیث دیگری آمده است که «هیچ گروه جهادکننده و سربهای نیست که جهاد کند، غنیمت بگیرد و سالم بماند، مگر اینکه دو سوم مزدشان را از پیش دریافت کرده‌اند و هیچ گروه جهادکننده و سربهای نیست که غنیمت نگرفته و بمیرند یا زخمی شوند، مگر اینکه مزدشان به طور کامل به آنها برسد»^۶

ثانیاً. در همین روایت تصریح شده که لشکریان برای غذا نرفته بودند، برای همین قصه‌ی گمراهی عرب و بیدار شدنشان توسط پیامبر اکرم ﷺ و اینکه مأمور به جهادند توسط مغیره رضی الله عنه ذکر شده است و اگر هدف گرفتن غنائم بود، از این امور سخنی به میان نمی‌آمد!^۷ همچنین در

۲. فقه الجهاد، مكتبة الوهبة، ج ۱، ص ۴۸۲

۳. صحیح بخاری (۲۸۱۰) و صحیح مسلم (۱۹۰۴): «جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم، فقال: الرجل يقاتل للمغنم، والرجل يقاتل للذكر، والرجل يقاتل ليري مكانه، فمن في سبيل الله؟ قال: من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا فهو في سبيل الله.»

۴. سنن أبي داود (۲۵۱۶): «أن رجلاً قال: يا رسول الله، رجل يريد الجهاد في سبيل الله، وهو يبتغي عرضاً من عرض الدنيا، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لا أجر له.»

۵. صحیح مسلم (۱۹۰۵): «إن أول الناس يقضى يوم القيامة عليه رجل استشهد... قال: قاتلت فيك حتى استشهدت، قال: كذبت، ولكنك قاتلت لأن يقال: جريء، فقد قيل، ثم أمر به فسحب على وجهه حتى ألقي في النار.»

۶. صحیح مسلم (۱۹۰۶): «ما من غزاة، أو سرية تغزو، فتغنم وتسلم، إلا كانوا قد تعجلوا ثلثي أجورهم، وما من غزاة أو سرية تخفق وتصاب إلا تم لهم أجورهم.»

۷. جالب است که بعضی از محققین -مانند استاد برزنجی، محقق تاریخ طبری- این روایت را برای اثبات خلاف این مطلب آورده‌اند و بر مبنای آن گفته‌اند که صحابه برای صرف غنیمت ننگیده‌اند و هدف والاتری داشته‌اند، پس هرکس که خداوند به او عقلی سلیم و فهمی قویم عطا کرده، باید شکرگزار نعمت پروردگارش باشد.

صحیح بخاری همین واقعه آمده^۸ (اگرچه الفاظ متفاوت است) و سبب جنگ را دستور پیامبر ﷺ دانسته، نه مجرد غنیمت گرفتن، زیرا غنیمت گرفتن از جنگ، پیش از اسلام و در دیگر ملل هم موجود و متعارف بود و دلیلی نداشت که کسی برای شوق استحلال آن مسلمان شود!^۹ چنانکه عمرو بن عاص رضی الله عنه درباره ی غنیمت جنگ فرمود: «ای رسول خدا! من از رغبت مال مسلمان نشده ام، بلکه به رغبت اسلام مسلمان شده ام تا با پیامبر خدا باشم!»^{۱۰}

«کدام مصلحت مادی سبب می شود که انسان، از خانواده و محبوبان خود دور شده و برای جنگیدن به سرزمین های دور از وطن اسلامی برود؟ اگر هدفشان مال و ثروت بود، غنایمی که به دست می آمد را برای خود گرفته و به فرماندهان لشکر تحویل نمی دادند، مانند کسی که به تاج کسری و جواهراتش دست یافت و آن را به فرماندهی مسلمان تحویل داد و چهره ی خود را پوشانده بود تا مبادا کسی او را بشناسد و از اجری که نزد خداوند است کاسته شود! چه سبب مادی و مصلحتی ابوعبیده را واداشت تا با هزاران نفر از لشکریانش بماند تا در شام با طاعون مواجه شوند؟! آری، تنها به جا آوردن دستور خداوند و پیامبرش باعث کارهای بزرگ مسلمانان صدر اسلام شده است!»^{۱۱}

ثالثاً. گرفتن غنیمت جنگی از آثار جنگ بوده و نه اهداف جنگ، و مشکل معترضین و صاحبان این شبهات، خلط بین این دو موضوع می باشد. برای مثال زن از همسر خود ارث می برد و این از آثاری است که بر عقد نکاح مترتب شده، اما نمی توان گفت که زنان به سبب گرفتن ارث همسر خود ازدواج می کنند، زیرا میان این دو تفاوت وجود دارد.

برای درک بهتر این مطلب، روایتی را می خوانیم که «از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده که فرموده است: هرگاه در جنگ، رزقی به شما رسید، اشکالی به [مصرف] آن نیست، اما اگر به شما درهمی دهند بجنگید و اگر ندادند بایستید، خیری [در چنین جهادی] نیست!»^{۱۲}

رابعاً. گرفتن غنیمت جنگی و رسیدن اموال از طریق آن، اختصاصی به دین اسلام ندارد و در کتاب های مرتبط به حقوق بین المللی به صورت هایی از آن اشاره شده و در جنگ هایی که کشورهای غربی انجام داده اند نمود عملی داشته است.^{۱۳}

۸. صحیح بخاری (۳۱۵۹)

۹. المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، جواد علی، دار الساقی، ج ۹، ص ۲۶۲

۱۰. الأدب المفرد، مکتبه المعارف، ص ۱۵۵: «قلت: إني لم أسلم رغبة في المال، إنما أسلمت رغبة في الإسلام فأكون مع رسول الله صلى الله عليه وسلم.»

۱۱. صحیح وضعیف تاریخ الطبری، محمد بن طاهر البرزنجی، دار ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۱۸

۱۲. جامع العلوم والحکم، ابن رجب الحنبلی، مؤسسة الرسالة، ج ۱، ص ۸۳

۱۳. در اینجا شاید نیاز نباشد به گرفتن غنایم جنگی اشاره کرد، زیرا سربازان متفقین طبق گزارش های بسیاری که وجود دارد به مثله کردن سربازان ژاپنی و جدا کردن اعضای بدنشان -از جمله جمجمه- پرداخته، سپس به عنوان غنیمت با خود می بردند و شاید به عنوان سوغات به خانه می فرستادند (بیشتر بخوانید) و جان پیلر نیز می گوید که

همچنین گرفتن غنیمت جنگی، در ادیان و ملل مختلف وجود داشته و نمی‌توان آن را ذاتاً مورد اشکال قرار داد^{۱۴} و این حالت در غالب شبهات اسلام‌ستیزان وجود دارد؛ آنها حکمی از احکام اسلام را ذکر می‌کنند و آن را سبب تشنیه قرار می‌دهند، اما استدلالی برای رد و تقبیحش ذکر نکرده و جایگزینی هم برای آن ندارند، زیرا تنها هدفشان تشکیک در اعتقادات مسلمانانی است که علم و بصیرت کافی نسبت به دینشان ندارند. اما بیایید تا سیری در تاریخ جهان و تراش ادیان داشته باشیم و ببینیم که منتقدین اسلام چه کسانی هستند؟!

در کتاب مقدس نصوص واضحی درباره‌ی گرفتن غنیمت جنگی آمده که جای تأویلی ندارند، و از این مهم‌تر مورد قبول یهودیان و نصرانیان هستند؛ آیا در آن نخوانده‌اند که «اینک من زمین مصر را به نبوکدرصر پادشاه بابل خواهم بخشید و جمعیت آن را گرفتار کرده غنیمتش را به یغما و اموالش را به تاراج خواهد برد تا اجرت لشکرش بشود»^{۱۵}، و در ماجرای جنگ آسا با حبشیان آمده که «شهرها را تاراج نمودند، زیرا غنیمت بسیاری در آنها بود»^{۱۶}، و در سفر تثنیه آمده که «بهایم را با غنیمت شهرهایی که گرفته بودیم، برای خود به غارت بردیم»^{۱۷} و همچنین در خطاب به یسوع آمده است: «غنیمتش را با بهایمیش برای خود به تاراج گیرید»^{۱۸}.

در تاریخ ایران پیش از اسلام هم غنیمت‌گرفتن، کار متعارف و طبیعی‌ای بوده و برخلاف باستان‌گرایان امروزی که غنیمت جنگی را مترادف مال‌دزدی و امثال آن می‌دانند، آن را حق خود به شمار می‌آورده‌اند! پژوهشگران تاریخ بیان کرده‌اند که «ایرانیان ضمن تصرف استان‌های بیزانتین، غنائم جنگی عظیم و اسیران فراوانی به چنگ آورده و خزانه‌ی شاه و اشراف نظامی را از این غنائم پر کرده‌اند»^{۱۹} و بر اساس نقل گزنفون، کوروش (پادشاه هخامنشی که باستان‌گرایان او را بیشتر از پادشاه، دیپلماتی متنفر از جنگ معرفی کرده‌اند) پس از یکی از جنگ‌هایش به افراد تحت فرمان خود رو کرده و گفته است: «چه غنایمی، چه تجملی، چه نعمتی خدایان به ما ارزانی داشته‌اند!»^{۲۰}

«پس از اکتشاف نفت در اواخر قرن نوزدهم، دولت‌های قدرتمند اروپایی، برای چنگ انداختن بر این بزرگترین موهبت وقت تلف نکردند» (اریابان جدید جهان، اختران، ص ۹۳)، پس اینها فراتر از گرفتن اموال منقول است و بهره‌برداری از امکانات اقتصادی و کشاورزی کشور تحت سیطره در ماده‌ی پنجاه و پنجم از مقررات ۱۹۰۷ لاهه مجاز دانسته شده است.

۱۴. شاید کسی بگوید که اگر چیزی در ادیان و ملل دیگر بوده، دلیل نمی‌شود که درست و مناسب باشد. در پاسخ به این اشکال باید گفت که نقل این مطالب از سویی برای الزام باستان‌گرایان، نصرانیان و غیره و از سویی دیگر برای نشان دادن این است که در عرف آن زمان هم گرفتن غنیمت از طرف متخاصم فعل قبیح و ناپسندی نبوده است و در نتیجه حتی با اخلاق نسبی‌گرای بعضی از منتقدین اسلام که خدانا باوران هستند هم نمی‌توان در این باره شبهه‌پردازی کرد!

۱۵. سفر حزقیال، فصل ۲۹، شماره‌ی ۱۹

۱۶. سفر دوم تواریخ، فصل ۱۴، شماره‌ی ۱۴

۱۷. سفر تثنیه، فصل ۲، شماره‌ی ۳۵

۱۸. سفر یسوع، فصل ۸، شماره‌ی ۲

۱۹. تاریخ ایران، گرانتوسکی و دیگران، پویش، ص ۱۷۳

۲۰. کوروش‌نامه، گزنفون، انتشارات علمی فرهنگی، ص ۹۸

آیا آنها حاضرند که کوروش هخامنشی را هم غارت‌گر نامیده و به سبب مباح‌شمردن غنائم جنگی، مورد شتم و اهانت قرار دهند؟!

ما مسلمانان هرگز از جهاد و فتوحات اسلامی شرمسار نیستیم و اگر بعضی از افراد منتسب به اسلام از روی کم‌دینی یا کم‌سوادی به انکار و محکوم‌کردن آن می‌پردازند، بر دوش خود آنهاست و اهل ایمان را ملزم نمی‌سازد؛ «خلفای اسلامی نسبت به کلیمیان و عیسویان با محبت‌تر از دول مسیحی نسبت به مسلمانان و کلیمیان بوده‌اند»^{۲۱} و «حکومت اسلامی برای مردم بار سنگینی نبود، بلکه در بیشتر موارد مردم حکومت اسلامی را بر حکومت‌های دیگر ترجیح می‌دادند و جزیه‌ای که مسلمانان می‌گرفتند خیلی کمتر از مالیات‌های سنگینی بود که رومیان و ایرانیان از مردم دریافت می‌داشتند»^{۲۲} و برای همین است که می‌بینیم «سکنه‌ی بومی شام اعم از یهود و نصاری هیچ‌یک... چندان ناشاد و دلگیر نبودند»^{۲۳} و «یهودیان و مسیحیان آئین‌شکن که اغلب اکثریت جمعیت شهری را در بر می‌گرفتند، از سپاهیان عرب پیشواز می‌کردند؛ نویسنده‌ای یهودی شرح داده که چگونه آفریدگار پادشاهی اسماعیل^{۲۴} را پدید آورده، به این قصد که شما را از شرارت نجات دهد، و یک تاریخ نگار مسیحی سوری گفته: خدا... ما را به وساطت عرب‌ها از دست رومیان و نفرت شدیدی که از ما داشتند نجات داد.»^{۲۵}

والسلام علیکم وعلی من اتبع الهدی
تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

۲۱. چرا مسیحی نیستیم، برتراند راسل، آسمان، ص ۲۶۳
۲۲. تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، امیر کبیر، ص ۵۵
۲۳. تاریخ جامع ادیان، جان ناس، پیروز، ص ۴۹۹
۲۴. مراد، فاتحان مسلمان است.
۲۵. تاریخ جهان، کریس هارمن، نشر نگاه، صص ۱۶۴-۱۶۵